

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA، AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

آزاد ل.

۲۴ می ۲۰۱۲

آنانی که به بهشت می روند

۱- در زمان زندگانی محمد یک تعداد اشخاصی بودند که در جمله اصحاب خاص محمد به شمار رفته و محمد شخصاً به آنها قول رفتن به بهشت را داده بود و آنها هم با قبول رفتن به بهشت محمدی تضمین شده خواستند از جمع آوری مال های غنیمتی این دنیا هم بی بهره نمانده و یک چیزی برای خود و فامیل شان داشته باشند. در کتاب های اسلامی تعداد آنهایی که به انتخاب محمد به بهشت باید بروند ده نفر بوده و به نام "عشره مبشره" یاد شده اند. که عبارت بودند از ابوبکر، عمر، عثمان، علی، ابو عبیده بن جراح، زبیر بن عوام، طلحه بن عبدالله، سعید بن زید، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص.

آنها که در موقف های مختلف اقتصادی و زندگی قرار داشتند حد اقل هفت نفر شان بعد از مرگ خود و همچنان از اولاده های شان ثروت های به جا ماند که خود نشان دهنده چپاول گری و تاراج هستی های ملل دیگر بوده است که شرح این تاراج ها را البته به شکل اسلامی آن می توان در تواریخ اسلامی مثل، طبقات ابن سعد کاتب و اقدی، طبری، اسدالغابه ابن اثیر انساب الاشراف بلاذری، مروج الذهب مسعودی، تاریخ یعقوبی به وضاحت خواند. البته ناگفته نباید گذاشت که این تاریخ نویسان روی عقاید شان آن همه ثروت را داد خدا قلم داده اند. (مثل طرز تفکر هموطن نا آگاه نگهداشته شده من "سراب صلاح") به هر صورت یکی از آنها عثمان خلیفه سوم مسلمانها است. عثمان داماد محمد بوده و با دو ختر محمد رقیه و ام کلثوم ازدواج نموده بود که او را (ذوالنورین) هم می گفتند. در زمان جاهلیت او و ابوبکر تاجر بودند. عثمان بعد از مرگ معادل ده میلیون دینار طلا، املاک و اراضی در وادی القری و حنین و چندین هزار اسب و شتر از خود به جای گذاشت و در موقع مردن یک میلیون درهم در نزد خزانه دار مخصوص خود داشت و هزار غلام در خدمتش بود (تاریخ تمدن اسلامی ص ۸۸۶) از بخشش های عثمان از اموال بیت المال چنین آمده است:

چهار میلیون دینار به مروان حکم و پنج تن دیگر، و در وهله دیگر ۹۶ میلیون در هم به ابوسفیان پدر معاویه و طلحه و زبیر و هشت نفر دیگر و چندین میلیون درهم برای خودش (الغدیر ج ۸ ص ۲۸۲): طه حسین در مرآت الاسلام و فرید وجدی در دایرة المعارف) فعالیت های عثمان در مورد دوستانش چنین بود که برادر شیرینی خود بن

عبدالله بن ابی السرح را که از طرف محمد محکوم به مرگ شده و از کفر او در قرآن نیز یاد شده است در سال ۲۷ هجری برای فتح تونس و الجزایر فرستاد بن عبدالله کاتب وحی محمد در مدینه بود ولی بر سر آیت (فتبارک الله احسن الخالقین) سورة المؤمنون با محمد اختلاف پیدا نمود و ادعا داشت که این را او انشاء نموده و محمد آن را در قرآن گذاشته است و مرتد شد و محمد دستور داد تا او را ولو در خانه کعبه باشد، بکشند که البته جریان آن را من در غزوات محمد تشریح نموده‌ام. . بن عبدالله در زمان ولایت خود در افریقا به اندازه توان و قدرت خود ظلم و بیداد نمود که مردم از ستم او علیه عثمان شوریدند (تاریخ طبری ج ۵ ص ۲۸۷۱) با آنهم او مورد عفو و لطف عثمان قرار گرفت چونکه او غنایم بزرگی از تاراج اموال مردم خدمت خلیفه اسلام تقدیم داشت. که عثمان هم خمس آن را که باید به بیت المال مسلمانان تعلق می گرفت به مروان بن حکم بخشید و دختر خود را نیز به او داد (تاریخ تمدن اسلامی. ترجمه فارسی ص ۲۲۴) چپاول های عبدالله بن السرح در آن جنگهای غارتگرانه چندان بود که به هر سوار از سواران او ۳۰۰۰ مثقال زر ناب تعلق گرفت (اسدالغابه ج ۲ ص ۲۹۵).

در زمان قدرت مندی جناب حضرت عثمان خلیفه سوم اسلام مردم را موظف می نمود تا بسیاری از املاک بی صاحب را در مقابل مال اجاره به اشخاصی که خود می شناختند اجاره داده و سرمایه حاصله از آن را خدمت خلیفه اسلام پیشکش می نمودند.

کسی دیگر از ثروتمند شدکانی که به بهشت می رود ابو عبیده امین است که وی هنگام مرگ یکی از ده نفر ثروتمند عربستان بود.

شخص دیگری از این اصحاب مکرمه که شهسوار اسلام لقب گرفته بود سعد بن ابی وقاص است. که تاریخ ما با اسم این جانی و آدمکش اسلام آشنا است. جناب سعد وقاص چون از جمله اصحاب پیامبر اسلام بود با پیروزی در قادسیه از اموال غارت شده از شهر هائی که فتح اسلامی شده بودند صد هزار دینار طلا و یک میلیون درهم نقره برای شخص خودش برداشت و با قسمتی از این سرمایه غنیمتی به دست آمده در کوفه برای خود قصری ساخت که راویان عربی آن را بهتر از قصر مداین تعریف نموده اند (اخبار الطوال ص ۱۳۰).

طبری در باره همین سعد بن ابی وقاص می گوید که وی در جنگ احد در هنگام بر گشت جنگ به ضرر مسلمانان بی امری پیامبر را نمود و فرار کرد (تاریخ طبری ج ۱ ص ۱۲۷۷) سعد بن ابی وقاص پس از تصرف تیسفون اتاق کار و خوابگاه مخصوص شاهنشاهان ساسانی را برای خود بر گزید و قصر ها و خانه های بزرگان را که کشته شده و یا گریخته بودند به محل اقامت همراهان بر جسته خویش اختصاص داد. (ویلیام مویر - خلافت اسلامی: اوج و انحطاط و سقوط آن)

زبیر بن عوام قریشی پسر عم محمد و صحابی بسیار نزدیک او که محمد او را حواری خاص می گفت از جمله کسانی است که به بهشت محمدی تشریف می برند و ثروت او بین ۷۰ و ۱۰۰ کرور «۳۵ تا ۵۰ میلیون» درهم بر آورد شد. چنانچه او را قارون دوم شمرند. او برادر زاده خدیجه همسر اول محمد و از جانب مادری نواسه عبدالمطلب بود و در شورائی که به خواست عمر برای انتخاب جانشین او تشکیل شد زبیر و طلحه با جانشینی عثمان مخالفت نمودند آن ها بعد از کشته شدن عثمان ابتداء با علی رفتند و بعداً هم خلاف علی با عایشه پیوستند و از تر تیب دهندگان جنگ جمل علیه خلافت علی بودند که هر دو در این جنگ کشته شدند. زبیر به هنگام مرگ اضافه تر از پنجاه میلیون درهم «هزار غلام کنیز» ده خانه در مدینه و نزدیک به یک صد پارچه مستغلات و املاک در بصره، کوفه، فسطاط و اسکندریه داشت. (طبقات بن سعد ج ۳ ص ۱۵۲، ۱۶۱).

طلحه بن عبیدالله یکی از همراهان محمد و از جمله بهشتیانی که در فرار از مکه به مدینه در جنگ احد خودش را

در مقابل محمد سپر قرار داده بود مستغلاتی به بهای ۶۰ کرور «سی میلیون» در هم بود که روزانه هزار دینار از عواید آن‌ها برایش می‌رسید به اضافه صد کیسه سر بسته (هر کدام شامل سه قنطار زرناب «سی هزار دینار طلا»)

یکی دیگر از این لیست بهشتی‌ها هم عبدالرحمن بن عوف است. او هشتمین کسی است که اسلام آورده و تا آخر مورد توجه محمد قرار داشت. او هنگامی که در حدود سال ۳۱ هجری در سن ۷۵ سالگی فوت نمود **سی هزار برده خود را آزاد نمود** و آنچه بر جا گذاشت ده هزار شتر و اسب و گوسفند و بیش از سی کرور پول نقد بود و به هر یک از چهار زن او ۸۰۰۰۰ دینار به ارث رسید (طبقات بن سعد ج ۳ ص ۹۷، ۸۷، اسدالغابه. بن الاثیر جلد ۳ ص ۳۱۷، ۳۱۳)

شخص دیگر ثروت‌مند و بهشتی همان ابو هریره مشهور است که در وقت تولد اسمش را (عبدالشمس) یعنی بنده شمس گذاشتند و بعد از اسلام آوردن اسمش شد عبدالله یعنی بنده الله و پشک او مشهور است. محمد او را ابو هریره یعنی (پدر پشک) صدا می‌زد. در باره ثروت او آمده است که نظر به خواست خود او بیش از **ده هزار برده** او را (بعد از مرگش) آزاد کردند. (عیون الاخبار ج ۱ ص ۵۳) و دیگری هم شخصی از جمله ثروتمندان اعراب همانوقت است به نام محمد بن سیرین عابد که به روایت بن اثیر ۴۰ کرور (۲۰ میلیون) از خود به جای گذاشت (اسدالغابه ج ۲ ص ۲۹۵)

طبری از جانب خود در شرح وقایع سال ۶۸ هجری **از چند هزار برده** یاد می‌کند که پس از مرگ یکی از اصحاب کرام از وی باقی‌مانده بود و ابن خلکان می‌گوید که فرزند **عمر خلیفه دوم در هنگام مرگ ده هزار غلام و کنیز داشت**. نظر به نوشته مسعودی، عبدالرحمن زهری صد اسب و هزار شتر و ده هزار گوسفند در طوبله داشت و به گفته سعید بن مسیب زید بن ثابت بعد از مرگ آنقدر طلا و نقره از خود باقی گذاشت که آن‌ها را با تبر می‌شکستند و دیگر متروکات او صد هزار دینار قیمت داشت. از یعلی بن امیه وقتی که مرد ۵۰ هزار دینار به جای ماند به اضافه آنچه مردم قرضدارش بودند. در کوفه خاندان‌های معروف از سهم غنایم و مقرری سالانه خود مبالغ‌گرافی اندوختند تا آنجا که یکی از مردمان کوفه وقتی به جنگ می‌رفت هزار شتر برای بردن کالای خود زیر بار داشت (تاریخ سیاسی اسلام - ترجمه - ص ۲۹۲) در باره ثروت‌های باد آورده سران درجه اول و نزدیکان بی‌واسطه محمد از محقق مذهبی بلژیکی «پر لا منس» در دو کتاب «جمهوری کاسبکار» و «بررسی‌های در قرن امویان» از قام جالبی می‌خوانیم (معاویه بن ابو سفیان در مزارغ و باغهایش در حجاز از ۴۰۰۰ برده بهره‌کشی می‌کرد و سالانه از دسترنج آن‌ها ۱۵۰ هزار بار شتر خرما و ۱۰۰ هزار کیسه غله به دست می‌آورد

اینکه امروز سیاف، محقق، فهیم، عبدالله، خلیلی، قانونی، کلبدین، حقانی، ملا عمر، کرزی و برادران، حضرت علی، معتصم بالله (نوکر مشخص سی. آی. ای) محسنی، یاسینی، ملا عطا، دوستم، گل آقا شیر زوی (دو میلیون دالر را در قمار خانه اتلانتیک سیتی امریکا باخت) رحیم وردک، فاروق وردک، کریم خلیلی، گیلانی، مجددی، احمد ولی مسعود و ده‌ها و صد‌ها بی‌وجدان شرف‌باخته این همه پول را از کجا در یافت نموده‌اند، مثلاً این آقای به نام عبدالرسول سیاف که بنا بر ادعای صبغت الله مجددی (در وید یو در مصاحبه با نماینده گلبدین) که می‌گوید: پدر سیاف در مقابل هشتاد خروار غله مزدور فامیل مایوده است) این همه پول را از کجا دریافت نموده تا صاحب این همه اقتدار و قدرت در دستکاه جاسوسی و خد متکذاری کرزی بی‌وجدان شود؟؟؟؟ کسی است جواب دهد؟؟ این همه پول خون شهیدان صاف دل و با ایمان، فرزندان غیور این سر زمین مظلومان خوشباور تاریخ ساز بوده و است که صادقانه در راه نجات وطن از چنگال بیگانه جان داده و به خون تپیده‌اند؟؟

به هر صورت فقط اسلام بوده و است که در دفاع از خونخواران و جباران آیاتی مقدس اصدار نموده و نعمت‌های بهشتی و دنیائی را برای فعالان اسلامی زیر نام جهاد مقدس اصدار نموده است؟ و به این ارتباط صحابه محمد از جمله او لاین کسانی بودند که از استقرار اسلام بهره مادی گرفته و در افزایش ثروت خود سعی نمودند.

اگر بخواهیم در باره ثروت‌مند شدن این تعداد اشخاص مشخص که در ابتداء همه اصحاب کرام محمد بنیاد گذار دینی به نام اسلام می باشد مکئی بداریم باید عوامل این ثروت‌مند شدن را جست و جو نمود تا دانست که ریشه آن در کجاست؟؟ و خود را آگاه ساخت به این که چرا در صدر اسلام هر چه آدمکش، جنایت پیشه و دزد بوده ثروت‌مند شده است؟؟ و بعد از آنهم هر که به نام اسلام به مقامات بلند سیاسی و اجتماعی راه یافته، از بیچارگی و مذلت بیرون آمده و در مدتی کمی خود را توانسته اند مالک همه چیز بسازند!

محمد وقتی که در مدینه با همکاری تعدادی از دزدان و آدمکشان محلی به اضافه آنانی که همراه او از مکه به مدینه فرار نموده بودند با حمله به کاروانهای تجارتي دعوت اسلامی مسلحانه و شمشیری خود را شروع نمود به همه دزدان و جنایت کاران آدمکش همراه خود وعده سپرد و تعهد نمود که اگر دزدی اموال مردم و کشتن آنها را در راه خدا (یعنی راهی که او می گوید) ادامه دهند و زندگی مردمان را به نابودی بکشانند غنایم جنکی بعد از فتح قریه ها و شهر ها به شمول زنهاى اسیر گرفته کی ملکیت مقدس آنها خواهد بود و اگر هم در این راه کشته شدند بهشت و حوران بهشتی با ببقراری در انتظار شان می باشد و اینجاست که بهشت تشریحی محمد در قرآن مطابق آرزو ها و خواسته های شریکان جرمی و همکاران جنائی اش پی ریزی شد.....

عرب بادیه نشین و جاهل که روزها دنبال سوسماری در صحرا های خشک عربستان می گشت تا با خوردن گوشت آن شکمی از عزا در بیاورد و یا این که ماه ها در انتظار بود تا بر ضعیفانی حمله و هست و بودش را به یغما بکشد و به زندگی ننکین و خوار خود ادامه دهد چنین شرایط طرح شده محمد حیثیت نعمتی را داشت که کمتر او در باره اش فکر می کرد و نا باور بود بر آنچه محمد پیشنهاد می نمود چون او می توانست با قبول طرح اسلامی آنچه وظیفه روزانه اش بود یعنی آدم کشتن و چپاول، آن را با ابراز مسلمان شدن در چوکات کشتار و ریختن خون بیگناهان شکل مقدس داده (چون محمد اسم این چپاول و کشتار را جهاد نامیده بود) در هر صورت برنده باشد هم در صورت زنده ماندن و هم در صورت کشته شدن!!

این بود که روز تا روز به تعداد اوباشان و جانیان آدمکش زیر بیرق اسلام افزوده می شد و ساحات کم نفوس و بی دفاع در اوایل مورد حمله تازیان قرار می گرفت و رفته رفته با زیاد شدن لشکر چپاولگر اسلام ساحات قلمرو آدمکش های وحشیان وسعت بیشتری پیدا نمود و این وضعیت ملالت بار تا امروز هم ادامه دارد . من قبلاً شرح آن همه آدمکشی ها و جنایات محمد و مسلمین را زیر عنوان غزوات محمد به اختصار نوشته ام که افتخار نشر در همین پورتال گرانمایه را یافت و در آینده هم سعی خواهم نمود تا مرحله به مرحله این شقاوت های غیر انسانی را به رویت تاریخ اسلام به هموطنان گرانمایه خود روشن سازم.